

ضرورت حضور در میدان تحقیق*

معرفی و نقد کتاب کتاب دانیل برادبرد

در نیمه آغازین قرن بیستم، جایگاه مردم شناسی (= انسان شناسی)^۱ همچون رشته ای علمی در میان رشته های دیگر علوم اجتماعی و انسانی در غرب تثبیت شد. در این زمان تحقیق درباره « فرهنگ های دیگر» در کانون توجه بیشتر مردم شناسان اروپایی و امریکای شمالی قرار گرفت. فرهنگ سرزمین ایران یکی از فرهنگ های جهان دیگر بود که نگاه این گروه از مردم شناسان غربی را به خود معطوف داشت. از آن زمان تحقیقات میدانی مردم نگاری در فرهنگ ایران، به ویژه پاره فرهنگ های قومی، ایلی- عشایری و روستایی میان محققان و استادان و دانشجویان رشته مردم شناسی رونق چشمگیری یافت.

پیشرو پژوهش های مردم نگاری در ایلات و عشایر ایران دو تن بودند، یکی کارل گونار فیلیبرگ از دانمارک و دیگری فردریک بارث از نروژ که نخستین تک نگاشت های مردم نگارانه را درباره شناخت دو گروه ایلی در ایران به جامعه دانشگاهی جهان ارائه دادند. فیلیبرگ در سال ۱۳۱۴/۱۹۳۵ به ایران آمد و در عشایر لر « پاپی»، یکی از ایلات کوچنده ناحیه بالاگریوه در جنوب لرستان به تحقیق میدانی پرداخت. او نتیجه تحقیقات خود را در دو تک نگاشت با عنوان چادرسياه (۱۹۴۴)^۲ و ایل پاپی (۱۹۵۲)^۳ منتشر کرد. بارث نیز

^۱. دو اصطلاح مردم شناسی و انسان شناسی هردو برابر نهاده فارسی اصطلاح آنترپولوژی anthropology است که در ادبیات تخصصی- علمی، عنوان یکی از رشته های علوم اجتماعی به شمار می آید. هردو اصطلاح در فارسی مفهوم و قلمرو موضوعی خاص آنترپولوژی را توجیه و تبیین می کنند. اصطلاح مردم شناسی در ایران پیشینه ای درازتر و کاربردی دامنه دارتر از اصطلاح انسان شناسی داشته و هنوز هم دارد. این اصطلاح نخستین بار در فرهنگستان ایران در سال ۱۳۱۴ وضع، و از آن پس به کار برده شد. اصطلاح انسان شناسی سابقه جدیدتر دارد و از مصوبات «شورای وضع و قبول لغت و اصطلاحات اجتماعی» در دانشگاه تهران و به پیشنهاد شادروان دکتر غلامحسین صدیقی است. بسیاری از دانش پژوهان حوزه های علوم اجتماعی در این زمان بیشتر گرایش به کاربرد اصطلاح انسان شناسی به جای مردم شناسی دارند. گفتنی است که در برابر اصطلاح آنترپولوژی ethnology نیز در فارسی دو اصطلاح مردم شناسی و قوم شناسی به کار برده می شود.

بدیهی است که کاربرد دو اصطلاح برای یک حوزه خاص علمی نوعی تشنگی و آشفتگی در کار پیش می آورد. از این رو ضروری است برای رفع اختلاف و شبهه و رسیدن به وحدت نظر در کاربرد برابر نهاده های فارسی آنترپولوژی و آنولوژی، اهل نظر بازنگری کنند و برای هریک از دو اصطلاح آنترپولوژی و آنولوژی یا یک اصطلاح فارسی مورد پذیرش جمعی برگزینند، و یا همه از آخرین برابر نهاده های فارسی مصوبه فرهنگستان زبان و ادب فارسی برای این دو اصطلاح پیروی بکنند.

در این مقاله نگارنده هر جا از اصطلاح انسان شناسی یا مردم شناسی استفاده کرده، نظر به دانش آنترپولوژی و مفهوم و قلمرو علمی آن در غرب داشته است (برای اطلاع میسوط تر از نظر نگارنده درباره این مقوله، نک: بلوکباشی، « مقدمه مترجم» بر ترجمه کتاب تاریخ انسان شناسی از آغاز تا امروز، نوشته توماس هیلند اریکسن و فین سیورت نیلسن، نشر گل آذین، ۱۳۸۷).

^۲. Feilberg, C. G. *La Tente Noire*, Copenhagen, 1944.

^۳. Idem, *Les Papis*, ibid., 1952.

هر دو کتاب را اصغر کریمی به زبان فارسی ترجمه کرده است. نک: فیلیبرگ، کارل، گونار، ایل پاپی: کوچ نشینان شمال غربی ایران، فرهنگسرا، ۱۳۶۹. همو، سیاه چادر، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.

در سال ۱۳۳۷/۱۹۵۸ پژوهش های میدانی خود را در میان عشایر رمه گردان استان فارس انجام داد و کتابی با عنوان *کوچندگان جنوب ایران: ایل باصری از اتحادیه خمسه* (۱۹۶۱)^۴ نوشت که کتابش شهرت جهانی یافت. مونوگرافی ایل باصری امروزه از منابع کلاسیک مهم در رشته انسان شناسی به شمار می آید.

با انتشار این تک نگاشت ها در اروپا، نگاه مردم شناسان غرب به فرهنگ بکر و غنی ایران جذب شد و سرزمین ایران بستر مساعدی شد برای تحقیق موضوعات مردم شناسی در «فرهنگ غیر خودی». از این زمان باب پژوهش های میدانی، به ویژه جوامع ایلی و روستایی ایران در تاریخ ادبیات انسان شناسی گشوده گردید و هر از چندگاهی تنی چند از مردم نگاران خارجی به ایران می آمدند و در نقاط مختلف این سرزمین به پژوهش می پرداختند. نتیجه پژوهش های میدانی محققان خارجی در زمینه مردم شناسی ایران تا کنون در صدها کتاب و مقاله به زبان های انگلیس، فرانسه، آلمانی و ژاپنی در جهان منتشر شده است. افزون بر تحقیقات این گروه محققان، شمار بزرگی از دانشجویان رشته انسان شناسی نیز موضوع پایان نامه های دکتری خود را به حوزه های فرهنگی مختلف ایران اختصاص داده بودند.

گفتنی است که این گروه از استادان و دانشجویان انسان شناسی در غرب هریک کار میدانی خود را به خصوص بر پژوهش های مردم نگاری ایل و عشیره ای خاص در قلمرو جغرافیایی زیستی آنها در ایران متمرکز کرده بودند و مدتی دراز از یک تا چند سال پیوسته یا ناپیوسته با مردم حوزه تحقیقی خود در تماس بودند و سعی می کردند تا با کار میدانی بیشتر درباره موضوع پژوهش در دوره های زمانی مختلف به درک فرهنگ جامعه یا گروه مورد مطالعه خود بیشتر توفیق یابند. نتیجه کار تحقیقی این گروه این شد که امروزه همه آنان در حوزه پژوهش فرهنگی خود تخصص و شهرت یافته اند و در ایران و جهان نیز به نظر علمی آنها در حوزه پژوهشی شان استناد می کنند. برای آگاهی خوانندگان از کارهای میدانی این مردم نگاران و حوزه تخصصی هریک از آنها در ایلات و عشایر ایران برای نمونه به برخی از آنها و حوزه کاریشان اشاره ای گذرا خواهد شد.

تحقیقات ریچارد تاپر از انگلستان، در شاهسون ها؛ هانس لوفلر و اریکا فریدل اتریشی تبار از امریکا، در ایل بویراحمد، یکی از ایلات لر ششگانه استان کهگیلویه و بویراحمدی؛ لویس بک امریکایی و پیر اوبرلینگ انگلیسی، در اتحادیه ایلات قشقایی و ایلات ترک زبان؛ دیترامان آلمانی و ژان پیر دیگر فرانسوی، در ایل

⁴ Barth, F., *Nomads of South Persia: The Basseri Tribe of the Khamseh Confederacy*. Oslo, 1961.

این کتاب را کاظم ودیعی به فارسی ترجمه کرده است. نک: بارت، فردریک، *ایل باصری*، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۳.

بختیاری؛ برایان اسپونر انگلیسی و فیلیپ سالزمن امریکایی، در جامعه بلوچ؛ ویلیام آبرونز از امریکا و وولفگانگ کونینگ از آلمان، در میان ترکمن ها؛ واسیلی نیکیتین روسی و درک کنین انگلیسی در جامعه کُرد؛ و شمار بسیاری دیگر. آثار این گروه انسان شناسان ایل پژوه خارجی اهمیت فراوانی در ایران شناسی و مطالعات فرهنگ ایرانی داشته و در ارتقاء فهم و درک جهانیان نسبت به جامعه و فرهنگ مردم عشایری ایران و آشنایی با تاریخ اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و نظام های رهبری سیاسی و اقتصادی عشایر کوچنده این سرزمین نقش اثرگذار و مهمی داشته اند. این انسان شناسان با تحقیقات میدانی و روش های خاص مردم نگاری در پاره فرهنگ های ایرانی، فصلی تازه در مطالعات ایران شناسی گشوده و مکتب نوینی با سبک و شیوه خاص در سنت ایران پژوهی، به ویژه در جوامع پیش سواد سنتی ایران پدید آورده و چشم اندازی نو در نگرش جهانی از فرهنگ ایران فراهم آورده اند. افرون برآن، این گروه از طریق آثار تألیفی خود تأثیر چشم گیری بر خط و ربط مردم نگاران ایرانی به موضوع تحقیق و کاربرد روش های نظام مند در کار میدانی و تحلیل و تفسیر علمی از داده های فراهم آمده، گذاشته اند.^۵

دانیل برادبورد نویسنده کتاب *حضور: ضرورت کار میدانی*، یکی از این گروه دانشجویان رشته انسان شناسی بود که به عشق تحقیق میدانی در میان عشایر کوچنده ایران ۴۵ سال پیش بار سفر بست و از موطنش امریکا به ایران آمد. در آن سال ها ایران به گفته او، یکی از آسان ترین سرزمین ها در کشورهای خاورمیانه برای کسانی بود که می خواستند به قصد پژوهش به آنجا بروند. در آن زمان او و همسرش آن شیدی^۶ هر دو دانشجوی ارشد انسان شناسی در دانشگاه نیویورک^۷ بودند. دانیل برای آمدن به ایران با چند انسان شناس که در ایران کار میدانی کرده بودند و با جامعه ایران و ایرانی آشنایی داشتند، گفتگو و مشورت کرد. یکی از کسانی که از راهنمایی او بهره مند شد، ویلیام بیمن، انسان شناسی امریکایی بود که تازه از ایران بازگشته

^۵ برای آگاهی بیشتر از این گروه انسان شناسان خارجی و کار میدانی آنها و سهم چشم گیری که آنها در ایران پژوهی و مطالعات تاریخ اجتماعی جوامع ایلی- عشیره ای داشته اند، نک: بلوکباشی، علی، *جامعه ایلی در ایران*، دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۸۲. نیز:

Bulookbashi, Ali, "The Contribution of Foreign Anthropologists to Iran", in *Conceptualizing Iranian Anthropology: Past and Present Perspectives*, edited by Shahnaz R. Nadjmabadi, New York & Oxford, 2009.

ترجمه فارسی این مقاله با عنوان «سهم انسان شناسان خارجی در ایران شناسی» در *فصلنامه نامه ایران و اسلام*، از انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران چاپ و منتشر شده است. نک: *نامه ایران و اسلام*، س اول، شم ۴، بهار ۱۳۹۲، صص ۲۳-۳۲،

^۶ Ann Sheedy

^۷ City University of New York Graduate Centre

بود. او بود که تحقیق در میان طوایف کرمان را به او پیشنهاد داد.^۸ برادبورد چنان شوق و علاقه ای به سفر تحقیقی به ایران و سرزمین های دیگر و آشنایی با فرهنگ های غیر امریکایی و آشنایی با چگونه زندگی کردن مردم نقاط دیگر دنیا را داشت که می گوید: برای رفتن به سرزمین های دیگر و مطالعه زندگی مردم آنها و شناخت تفاوت ها و مشابهت های فرهنگ های مختلف مایل بودم خودم هزینه هایش را بپردازم. ولیکن برای تحقق این کار هزینه اش را دیگران پرداختند.

زمانی که برادبورد و همسرش به ایران آمدند و کار میدانی را شروع کردند، هردو جوانی بیست و هفت هشت ساله بودند. در کرمان پس از گفت و شنودهای فراوان سرانجام با توصیه راهنمای محلی خود ابو سعید نامی، طایفه کماچی، یکی از عشایر کوچنده کرمان را برای تحقیق برگزیدند و به میان آنها رفتند. آنها نزدیک به دو سال، از ۱۹۷۴ تا ۱۳۵۳/۱۹۷۵ تا ۱۳۵۴ در محل و قلمرو سکونت کماچی ها اقامت گزیدند و با آنها درآمیختند و در کوچ و اسکانشان همراه شدند.

کماچی ها یک طایفه کوچک شیعه مذهب چادرنشین از گروه های جامعه عشایری ناپایدار کرمان بودند که بنابر اطلاعات محلی در زمان تحقیق برادبورد حدود ۱۵۰ سال از شکل گیری طایفگی آنها به صورت یک واحد اجتماعی مستقل می گذشته است. بنابر روایت مطلعان، اجداد کماچی ها از نقاط مختلف ایران، در زمانی که تاریخش مشخص نیست، به کرمان مهاجرت کرده بودند. بنابر داده های تبارشناسی رایج میان مردم طایفه، این مهاجرت باید در قرن نوزدهم میلادی/ اوایل قرن سیزدهم هجری روی داده باشد. این واحد اجتماعی در طول زمان پیوسته در حال تغییر و کوچک و بزرگ شدن بوده است. معیشت آنها از راه رمه داری بز و گوسفند

^۸. ویلیام بیمن William O. Beeman انسان شناس و زبان شناس اجتماعی و از استادان سابق انسان شناسی و رئیس مطالعات خاورمیانه در دانشگاه براون و استاد کنونی و رئیس گروه انسان شناسی دانشگاه مینه سوتا ای آمریکا، یکی از ایران شناسان و شخصیت های علمی و هنری پرکار جامعه دانشگاهی ایالات متحده آمریکا است. او افزون بر کارهای تخصصی خود در زمینه های مردم شناسی، زبان شناسی اجتماعی، معناشناسی و هنرهای نمایشی سنتی و تعزیه در ایران و هند و ژاپن و کشورهای خلیج فارس و آسیای مرکزی، از کارشناسان و خوانندگان مشهور اپرا و از بازیگران تئاتر نیز هست. گفتنی این است که شیفتگی به تعزیه خوانی در ایران او را به آموزش موسیقی و اپرا و بازیگری کشاند. بیمن سال های بسیاری از عمر تحقیقی خود را از دوره جوانی و دانشجویی از ۱۹۶۸/۱۳۴۷ در کار میدانی در ایران و سفر به مناطق مختلف فرهنگی و زیستن در جوامع کوچک و دهقان این سرزمین، چه در پیش از انقلاب اسلامی و چه پس از آن گذرانده است. او در دهه هفتاد میلادی در زمینه مردم شناسی زبان و اشکال زبان و الگوهای فرهنگی در ایران کار میدانی می کرد و پس از بازگشت به آمریکا نتیجه تحقیقات خود را در کتاب *زبان، منزلت و قدرت در ایران* در سال ۱۹۸۶ چاپ و منتشر کرد. برادبورد برای آشنایی با سرزمین و مردم و فرهنگ ایران پیش از سفر خود به ایران با او تماس گرفت و از تجربیات و راهنمایی ها و اطلاعات او درباره سرزمین و مردم و فرهنگ ایران استفاده کرد. بیمن آثار متعددی به صورت کتاب و مقاله درباره انسان شناسی و معناشناسی و نمادشناسی زبان، نمایش های سنتی، تعزیه شناسی و مانند آنها چاپ و منتشر کرده است که یک کتاب و چند مقاله از آثار او به فارسی برگردانده شده اند. از جمله کتاب های او عبارتند از:

Beeman, William O., Culture, Performance and Communication in Iran, 1982;

Idem., Language, Status and Power in Iran, 1986;

Idem., Iranian Performance Traditions, 2011.

نخستین کتاب از آثار او با عنوان *زبان، منزلت و قدرت در ایران*، توسط رضا ذوقدار مقدم در ۱۳۸۱ به فارسی ترجمه شده است.

و عرضه تولید مواد خام دامی به بازار و ارتباط تجاری با بازار شهرها می گذشت. به سبب نوع معیشت نیز ناگزیر از کوچ و جابه جایی به مسافت های طولانی بودند.^۹ کماچی ها برای رمه چرانی گوسفندان از چوپانان مُزدی که از خود طایفه بودند یا از بیرون طایفه به آنها می پیوستند، استفاده می کردند. نظام به کارگیری چوپان مُزدی در طایفه، یک رابطه طبقاتی میان کماچی های دامدار (کارفرما) و چوپانان مُزدی و خانواده هایشان در جامعه عشایری پدید آورده بود.

برادبود و همسرش پس از دو سال اقامت و زندگی در میان چادرنشینان کماچی و درگیری تمام عیار در امور روزمره زندگی آنها در سفر و حضر به وطن بازگشتند. پانزده سال بعد، زمانی که برادبود استادی کرسی انسان شناسی در دانشگاه کلارکسون^{۱۰} را در اختیار داشت، بر مبنای داده های تحقیقی و یادداشت های روزانه خود در این طایفه نخستین کتابش را با عنوان *روابط ابهام آمیز: خویش، طبقه و تعارض در میان شبانان کماچی*^{۱۱} (۱۹۹۰) تألیف کرد. دومین کتابش، کتاب مورد بررسی این مقاله را هشت سال بعد از انتشار آن با عنوان *حضور: ضرورت کار میدانی*^{۱۲} (۱۹۹۸) نوشت.^{۱۳} درحالی که کتاب *روابط ابهام آمیز*، کتابی است تحلیلی- تخصصی و در آن شکل ساختار خویشاوندی، طبقه، و نظام اقتصادی در جامعه خرد کماچی بررسی و تحلیل شده و مطالبش بیشتر درخوردن متخصصان انسان شناسی و حوزه های دیگر است^{۱۴}، کتاب حضور، شکل و محتوایی روایی، و حال و هوایی دیگر و شخصی تر دارد. در این کتاب نویسنده رویدادهای معمولی زندگی کماچی ها را بر اساس دیده ها و شنیده ها و گفتگوها، و چگونگی شکل گیری زندگی آنها را بر محور

^۹ . کماچی ها تابستان ها را در کوهستان هایی که حدود سه ساعت راه با ماشین از شهر کرمان فاصله داشت، می گذرانند و زمستان ها را به بخش های قشلاقی در حدود ۱۵۰ مایلی جنوب کرمان و در نزدیکی های خلیج فارس و بندرعباس کوچ می کردند.

^{۱۰} . Clarkson University

^{۱۱} . *Ambiguous Relations: kin, Class and Conflict among the Komachi Pastoralists*

^{۱۲} . *Being There: The Necessity of Fieldwork*

^{۱۳} . دانیل برادبود پس از ۳۱ سال آموزش در دانشگاه کلارکسون اخیراً بازننشسته شده است. او از پرکارترین استادان در گروه انسان شناسی در هیئت علمی عالی این دانشگاه بوده و هنوز هم فعال هست. افزون بر آموزش و پژوهش، برادبود مقام و منصب های دیگری از جمله سرپرستی کرسی گروه علوم انسانی و علوم اجتماعی را هم بر عهده داشته است. در سال های آغازین در دانشگاه کلارکسون سرگرم تدریس انسان شناسی خاورمیانه بود، ولیکن در دوره زمانی تدریس خود، به تدریج برنامه درسی اش را به اقتصاد سیاسی گروه های شبان در جنوب غربی آسیا و انسان شناسی مواد مخدر و تجارت جهانی توسعه داد. تلاش مستمر او این بود که دریابد چگونه « مصرف » از طریق فرهنگ شکل می گیرد و چگونه « مصرف » به فرهنگ شکل می دهد. او در مقام پروفیسوری علوم انسانی و علوم اجتماعی برای فراهم آوردن « گستره ای از نگرش » در رویکرد علمی دانشجویان دوره های مهندسی و بازرگانی فعالیت فراوانی کرده است.

برادبود در دوره فعالیت های دانشگاهی اش برای مطالعه و تحقیق به نقاط مختلف جهان از جمله ساردنی (Sardinia): جزیره ای در مدیترانه غربی متعلق به ایتالیا)، افریقای جنوبی و لندن نیز مسافرت کرد. فرهنگ هریک از این سرزمین ها برای او جاذبه ای خاص و انگیزه ای تهییج کننده و فریبنده داشته و او را در فراهم آوردن نمونه های فراوانی از گونه های فرهنگ و آرا و اندیشه های نوین کمک کرده است.

^{۱۴} . این کتاب به فارسی نیز ترجمه شده است، نک: برادبود، دانیل، *روابط مبهم خویشاوندی، طبقه، تضاد* (پژوهشی مردم شناسانه در مورد تاریخ اقتصادی کرمان و عشایر آن)، ترجمه رویا اخلاص پور و سیامک زند رضوی، انتشارات دانشگاه شهید با هنر کرمان، ۱۳۸۴.

فرهنگ کوچندگی به تصویر در می آورد و ضرورت و اهمیت در محل بودن و تجربه زندگی کردن با مردم گروه مورد مطالعه را برای دریافت فهم انسان شناختی از فرهنگ دیگران بازگو و روایت می کند. مشاهدات او دقیق و خرده بینانه و توصیفاتش تبیین کننده منطق زندگی روزمره کماچی ها و راه و رسم آنها در گذران معیشت است. نوشته های برادبودر درباره کوچندگان کماچی، نخستین آثار مردم نگاری مربوط به این طایفه چادرنشین رمه دار در کرمان است و ما پیش از آن آگاهی تاریخی و اجتماعی مکتوبی از زندگی این گروه در ایران نداشتیم.^{۱۵}

برادبودر کتاب حضور: ضرورت کار میدانی را نوعی پیش زمینه اثر مردم نگاری اولیه خود، کتاب روابط ابهام آمیز می داند که در آن نظری رسمی تر و ساختاری تر از جامعه کماچی ارائه داده است. او در این که چه چیزی او را به چهارچوب بندی اثر کنونی واداشته و چه عواملی او را در تجربه میدانی اش به گفتمان روایی و روایت رویدادهای روزانه درباره عناصر غیر معمول و پیش بینی نشده برانگیخته است، می نویسد بی تردید تجربیاتش به عنوان یک انسان شناس در عمل به او در پدیدآوردن چنین اثری بنیادی، اما کاملاً متفاوت با اثر پیشین تأثیر گذار بوده است. برای تأیید نظر خود به دو مقاله از آثار دو انسان شناس معروف، یکی مقاله «بازی عمق دار: یادداشت هایی درباره جنگ خروس مردم بالی»، از کلیفورد گیرتز^{۱۶} و دیگری مقاله «خوردن کریسمس در کالاهاری»، از ریچارد لی^{۱۷} اشاره می کند: .

^{۱۵} بجز کتاب های فوق، برادبودر مقالاتی چند نیز در معرفی جامعه و فرهنگ و اقتصاد طایفه کماچی در سال های پیش و پس از تألیف و نشر دو کتاب مستقلش نوشته و منتشر کرده است. در زیر به شماری از آنها اشاره می شود:

“Never Give a Shepherd an Even Break: Class and Labor Among the Komachi Iran”, *American Ethnologist*, 1980, 7(4): P. 604-20.

“Size and Success: Komachi Adaptation to a Changing Iran”, in N. Keddie and M. Bonine, eds., *Modern Iran: The Dialectics of Continuity and Change*, Albany, 1981.

“Volatility of Animal Wealth among Southwest Asian Pastoral Nomads”, *Human Ecology*, 1982, 10(1): p. 85-106.

“The Rules and the Game: The Practice of Komachi Marriage”, *American Ethnologist*, 1984, 11 (3): p. 738-53.

“Producing Their Fates: Why Poor Basseri Settled but Poor Komachi and Youmut did not”, *American Ethnologist*, 1989, 16(3): p. 502-17.

“Historical Bases of the Political Economy of Kermani Pastoralists: Tribe and World Market in the 19th and Early 20th Centuries”, in C. Chang and H. Kostner, eds., *Pastoralists at the Periphery*, Tucson, 1994.

^{۱۶} Geertz, Clifford, “Deep Play: Notes on the Balinese Cockfight”, in *The Interpretation of Culture*, New York, 1973.

«بازی نمایشی عمق دار: یادداشت هایی درباره جنگ خروس مردم بالی»، نوشته ای است در شرح تفسیری تحلیلی نمایش جنگ خروس ها در میان مردم هندو مسلک جزیره بالی در مالزی. خروس در این نمایش آئینی، نماد قدرت به شمار می آید و جنگ دو خروس معنا و مفهوم دوگانه دارد و نمادی از مردانگی در میان مردم آبادی های بالی را نشان می دهد.

^{۱۷} Lee, Richard, “Eating Christmas in the Kalahari”, in *The Dobe Kung*, New York, 1984.

«خوردن کریسمس در کالاهاری»، مقاله ای است از ریچارد لی نویسنده کانادایی درباره مراسم آئینی- نمادین کشتن گاو در عید کریسمس و توزیع و خوردن آن در جشنواره کریسمس در میان قبیله تسوانا Tswana مسکون در صحرای کالاهاری در جنوب آفریقا.

برادبودر اصطلاح "Being there" (« حضور » یا « در محل بودن ») را که برای عنوان کتابش برگزیده از گفتمان گیرتر Geertz، انسان شناس معروف امریکایی وام گرفته است.^{۱۸} به گفته نویسنده، این اصطلاح بر اهمیت یک مواجهه یا رویارویی فزاینده دراز مدت تأکید دارد. متن این کتاب حاصل نگاه مردم نگارانه او در این سفر دو ساله و حضور دائمی اش در میان کوچندگان کماچی بوده است. او مطالب این کتاب را برآمده از مواجهات مستقیمش با ادبیات مکتوب مردم نگاری تفسیری و رابطه مردم نگاری با ادبیات روایی می داند. او در این کتاب کوشیده تا متنی خواندنی و سودمند بر محور متن روایی مردم نگاری برای خوانندگانی عمومی تر بنویسد.

کتاب در ۱۸۶ صفحه حاوی پیشگفتار، مقدمه و سپاسنامه است. مطالب کتاب در ۲۲ فصل تنظیم و تدوین شده اند. پایان بخش کتاب یادداشت های نویسنده بر مطالب کتاب، فهرست عناوین منابع مورد استفاده و آثار خواندنی پیشنهادی و سرانجام نمایه موضوعی است. عناوین هریک از فصول بازگو کننده روایتی شخصی است از فرهنگ جاری در زندگی کماچی ها و بازتاب اموری برآمده از و درآمیخته با فرهنگ ساده و زنده و کارآمد مردم. مطالب هر فصل تصویری است از حضور و جریان زندگی در رگ های حیات جماعت کماچی با همه لایه ها و جلوه های گوناگونی که به پویایی فرهنگ آنها در زندگی معنا می دهد. او ضمن روایت فعالیت های روزانه بومیان کماچی، به واکاوی ذهنیت نهفته در پس رفتارهای عینی آنها نیز برای دست یافتن به معنای رفتارهای فرهنگی و جهان بینی کلی مردم می پردازد.

فصول بیست و دوگانه کتاب به ترتیب چنین نامگذاری شده اند: ۱. مردم و مکان ها / ۲. آمارگیری ها و حقیقت واقعی / ۳. رفتن به میدان / ۴. زمینه یابی با آقای ابو سعیدی / ۵. اختلاف / ۶. دیدار کماچی ها / ۷. روز عقرب / ۸. آیا در آمریکا گندم هست؟ / ۹. مذهب در سرحدات / ۱۰. حمام کردن / ۱۱. استوار کردن سیاه چادر / ۱۲. آزمون قدرت یا زورآزمایی / ۱۳. جشن ها / ۱۴. غذا خوردن در خانه آمون علی / ۱۵. پزشکی و معامله

^{۱۸} کلیفورد گیرتز (۱۹۲۳-۲۰۰۲) از انسان شناسان صاحب مکتب و نظریه پردازان اثر گذار امریکایی بود. او پژوهش های میدانی خود را در جاوه، بالی و مراکش انجام داد و مجموعه ای کتاب و مقاله از یادداشت های مردم نگاری های خود در تفسیر و تبیین دین و فرهنگ ها و معنا شناسی فرهنگ های بومی مردم این سرزمین نوشت و منتشر کرد. از مشهورترین آثار او می توان نوشته های زیر را نام برد:

Geertz, J. Clifford, *The Religion of Java*, 1961.
Idem., *The Religion as a Cultural System*, 1966.
Idem., *The Interpretation of Cultures*, 1973.
Idem., *Works and Lives: The Anthropologist as Author*, 1988.

به مثل / ۱۶. فاریاب / ۱۷. سفر با کماچی ها / ۱۸. تنهو (تنها، غریب) / ۱۹. دیوانگی به خاطر عشق / ۲۰. فروختن جیب / ۲۱. به گذشته برگشتن / ۲۲. تجربه و فهم: نظریه حضور.

نویسنده در مقدمه خود انگیزه ها و هدف هایش از نوشتن این کتاب را بیان می کند. برخی از این انگیزه ها و اهداف را نتیجه مناظرات روشنفکرانه اخیر در باره انسان شناسی می داند که بی شک برای مردم عادی چندان اهمیتی ندارند. انگیزه دیگرش را ارائه یک مونوگرافی به شیوه ای روایی و توصیفی دانسته که در عین گیرایی و جاذبیت و سرگرم کنندگی، با پاره ای مسائل نظری و تحلیلی نیز درآمیخته باشد تا خواننده با خواندن آن بتواند هم با جامعه و فرهنگ گروه کوچک ایل کماچی در سرزمین ایران آشنا شود و هم به ماهیت و اهمیت کار میدانی در این نوع جامعه پی ببرد. او با نوشتن این تک نگاشت نشان می دهد که چگونه مردم نگار می تواند با تماس مستقیم و رویارویی نزدیک با مردم و از طریق مشاهدات مشارکتی در زندگی مردم درک و فهمی انسان شناختی از « فرهنگ دیگر » به دست آورد. توصیف جامع و زنده و گویای برادبورد از فرهنگ به دست آمده از تجربه زیستش میان کماچی ها در خلال روایاتی متنوع در این اتنوگرافی، هم بر فهم و درک زندگی پیچیده کماچی ها، و هم بر نحوه کار میدانی دشوار و نشاط انگیز او در فهم فرهنگ کماچی روشنایی می افکند و به نوعی تجارب با مردمی از فرهنگ دیگر زیستن را در متن کتاب باز تولید و تفسیر و تعبیر می کند. برادبورد تجربه مردم نگارانه خود را در بسط افق کار و نیل به یافته های نو با نقل مثالی برای نمونه بیان می کند و می گوید: عمل تزریق پنی سیلین به یک چوپان مُزدی در طایفه، به ملاقات و دیدار او با تعداد بیشتری از افراد فقیرتر ایل کماچی شتاب بخشید. این عمل او را به دست یابی الگوهای طبقه بندی و تلقی های جنسیتی کماچی ها نسبت به بیماری ها نیز کمک کرد.

برادبورد در این کتاب از گزارش ها و مشاهدات غیر مردم شناسانه شماری از کسانی که در گذشته به ایران سفر کرده بودند، در موارد مختلف مطالبی نقل و برخی از آنها را با یادداشت ها و تعبیرات و تفسیرات خود مقابله و مقایسه می کند و برخی شباهت ها و اختلافات میان زندگی عشایر ایران در میانه تا اواخر قرن نوزدهم و دهه قرن بیستم را به دست می آورد. از جمله کسانی که نویسنده به نوشته های آنها بیشتر اشاره کرده ، هنری لایارد، بانو ماری شیل؛ خانم ایزابل بیشاپ و سر آرنولد ویلس می باشند که در سال های میان دهه ۱۸۴۰ و ۱۹۱۴ به ایران سفر کرده بودند.

نویسنده می‌کوشد تا به نقد انسان‌شناسان پسا مدرنیست و حامیان تفکر این گروه از انسان‌شناسان که با نوشته‌ها و گفته‌های خود شیوه کارمیدانی مردم‌نگاران را در تعبیر و تفسیر فرهنگ‌های دیگر نفی می‌کنند، پاسخ دهد. پسامدرنیست‌ها تحقیق میدانی مردم‌نگاران را «اغراق آمیز و بی‌ربط و بی‌معنا» جلوه می‌دادند و می‌گفتند که مردم‌نگاران با توجه به غوطه‌ور بودن در فرهنگ‌های خود، فرهنگ‌های دیگر را با فرهنگ خود می‌سنجند و با اندیشه و زبان خود بازنمایی و توصیف می‌کنند. بنابر نظر آنها، مردم‌نگاران بیشتر از بینش فرهنگی خود جانبداری می‌کنند تا پرداختن به بینش مردم فرهنگ‌های دیگر، از این رو از درک و فهم درست تنوع فرهنگی جامعه مورد بررسی خود ناتوان‌اند. برادبورد با رد نظر پسا مدرنیست‌ها، نقد آنها را بر مردم‌نگاری بی‌پایه و غیر منطقی و قلم‌زدن به شیوه‌ای منتزع می‌داند. او باور دارد که نوع تفکر و برداشت آنها نوعی بد فهمی از زمینه‌های واقعی و بنیادی تجربه کار میدانی و تعبیری نادرست از مردم‌نگاری است. او با خرده‌گیری از آنها، می‌گوید پسا مدرنیست‌ها با انتقاد درست یا نادرست خود به مطالعات «چند فرهنگی» غیر انسان‌شناختی که مبتنی به دیدارهایی شتابزده و رویارویی‌های کوتاه مدت با موضوع تحقیق و ارائه آثار منتخب و خواندنی است، خدمت می‌کنند. او پژوهش‌های شتابزده و کوتاه مدت در فرهنگ‌ها را طریق مؤثری در پیشبرد معرفت و درک خواننده از فرهنگ مورد مطالعه نمی‌داند، و معتقد است که پژوهش‌های میدانی دراز مدت مردم‌نگاری فاصله پژوهشگر و موضوع پژوهش را بسیار اندک و درعمل فهم و دریافت فرهنگ جامعه مورد مطالعه را به پژوهشگری که کارمیدانی انجام می‌دهد، تحمیل می‌کند. او انسان‌شناس را مفسر فرهنگ، و نقش‌آورا کشف راز و رمز معنای فرهنگ و تفسیر فرهنگ بیان می‌دارد، و مدعی است که معارفی که انسان‌شناس از طریق تجربه میدانی به دست می‌آورد، او را بالقوه در زدن پلی میان تنوعات فرهنگی فزاینده و فرهنگ تخریب‌کننده روبه‌فزونی در دنیای امروز توانا می‌سازد.

به‌طور کلی، مونوگرافی برادبورد بر محور گفتمانی روایی از فرهنگ گماچی و به شیوه‌ای بسیار مشخص با به‌کارگرفتن روایت‌هایی از رویدادهای زندگی در طول کار میدانی‌اش، نوشته شده است. این تک‌نگاشت حلقه‌رابطی است میان تجربه زیسته او در محل، و تفسیر و تعبیر فرهنگی که دو سال با کاربران آن فرهنگ زندگی کرده است. برای برادبورد مفهوم «حضور» مردم‌نگار در محل و در میان مردمی از فرهنگ دیگر بودن، کلید فهم واقعیت فرهنگ آن مردم است. «حضور»، حجاب بیگانگی و غیر خودی بودن را میان مردم‌نگار و مردم مورد مطالعه بر می‌افکند و فاصله فرهنگی میان آن دو را کم می‌کند و نوعی انس و الفت و همبستگی

فرهنگی میانشان پدید می‌آورد که نتیجه اش فهم انسان شناختی از فرهنگ غیر است. او خود را در فهم انسان شناختی فرهنگ کماچی‌ها پس از یک حضور طولانی در میدان تحقیق موفق ارزیابی می‌کند و نتیجه تحقیق میدانش در میان کوچندگان کماچی را مصداق روشنی از گفته پروفسور اونس-پریچارد، انسان شناس بریتانیایی^{۱۹} در کتاب معروفش *انسان شناسی اجتماعی Social Anthropology* می‌داند که می‌گوید: انسان شناس در کار میدانی خود وقتی موفق است که در زمان خداحافظی با بومیان و ترک آنها، هر دو طرف از جدایی یکدیگر متأسف و متأثر باشند.

علی بلوکباشی

۲۸ / مرداد / ۱۳۹۶

Being There:

The Necessity of Fieldwork

By Daniel Bradburd.

Smithsonian Institution Press, Washington, 1998.

^{۱۹} ادوارد ای. اونس-پریچارد Edward E. Evans-Prichard مشهور به «ای. پی» (دو حرف نخست نام خانوادگی اش) (۱۹۰۲-۱۹۷۳) از بنیانگذاران و نظریه پردازان بزرگ انسان شناسی اجتماعی بریتانیا و یکی از سه اندیشه ورز برجسته بریتانیایی (دو تن دیگر مالینوسکی و ردکلیف-براون) که در جامعه علمی و دانشگاهی به «سه پادشاه روحانی» جهان دانش مردم شناسی نامیده می‌شوند. او یکی از تأثیرگذارترین مردم شناسان در پیشبرد نظریه های انسان شناسی اجتماعی و از پرکارترین علمای این رشته بود. در کتاب شناسی تالیفات اونس-پریچارد که یک سال پس از مرگش چاپ و منتشر شد، تعداد ۳۸۵ کتاب و مقاله به نام او ثبت شده است (برای آگاهی از شرح حال و نگرش ها و نظریه ها و برخی آثار مهم و تأثیر گذار این استاد صاحب مکتب، نک: بلوکباشی، علی، « ادوارد ای. اونس-پریچارد»، *نامه انسان شناسی*، س ۳، شم ۶، پائیز و زمستان ۱۳۸۳، صص ۲۳۳-۲۴۱).

- این مقاله نخستین بار در *نشریه مطالعات ایرانی و نقد کتب ایران‌شهر امروز*، از انتشارات مؤسسه فرهنگی-هنری و معارف رایزن، سال دوم، شماره ۷، تابستان ۱۳۹۶ چاپ و منتشر شده است.